

« دعای جوشن صغیر »

در کتب معتبره بشرحی مبسوطتر از شرح جوشن کبیر نقل شده و کفعمی در حاشیه بلد الا مین فرموده که این دعائیست رفیع الشاءن عظیم المنزله و چون موسی هادی عباسی قصد قتل حضرت کاظم علیه السلام نمود آن حضرت این دعا را خواند جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود حق تعالی هلاک خواهد کرد دشمن تو را و این دعا در مهج الدعوات سید بن طاووس نیز نقل شده و ما بین نسخه کفعمی و سید اختلافست و ما موافق بلد الا مین کفعمی نقل نمودیم و آن دعا این است :

إلهی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ وَشَحَذَ لِي طَبَّةَ

معبودا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی بروی من کشید و لبه کاردش را برایم تیز کرد

مَدْيَتِهِ وَأَرْهَفَ لِي شِبَاحَهُ وَدَافَ لِي قَوَائِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ إِلَيَّ

و دم برنده اش را برایم آماده کرد و زهرهای کشنده اش را برایم آمیخته و نشان گرفت بسوی من

صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَلَمْ تَنْمَعْ عَنِّي حِرَاسَتِهِ وَأَصْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي

تیرهای نشانگیرش را و چشمش در مراقبت من به خواب نرفت و در دل گرفت که به من آزاری رساند

الْمَكْرُوهَ وَيَجَرَّعَنِي دُعَافَ مَرَارَتِهِ نَظَرْتُ إِلَى ضَعْفَى عَنْ أَحْتِمَالِ

و جرعه های تلخ زهر خود را به گلویم بریزد در این حال تو به ناتوانی من نگرستی که طاقت تحمل

الْفَوَاحِ وَعَجَزِي عَنْ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ وَوَحَدَتِي

ناگوار را ندارم و عجز مرا در استمداد برای کسی که به قصد جنگ با من برخاسته دیدی و تنهایی مرا

فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي وَأَرُصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي

در مقابل انبوه دشمنانی که قصد آزار مرا کرده و سر راهم کمین کرده اند و فکر من در

الْأَرْصَادِ لَهُمْ يُمِثِّلُهُ فَأَيَّدَتْنِي يَقْوَتُكَ وَشَدَّدْتَ أَرْزِي يُنْصَرَّتِكَ

خلاصی از آنها به جایی نمی رسد مشاهده کردی پس مرا به نیروی خود کمک دادی و بوسیله یاری خود پشتم را محکم بستی

وَقَلَّلْتَ لِي حَذَّةَ وَحَدَلَّتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشَدِهِ وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي

و تیغ برنده دشمن را بر من کند کردی و او را پس از زحماتی که در جمع آوری نفرات و وسایل نابودی من کشیده بود خوار کردی

عَلَيْهِ وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ وَرَدَدْتَهُ عَلَيْهِ وَلَمْ

و مرا بر او توفیق دادی و شر آن نقشه های شومی که برای من کشیده بود به خودش برگرداندی و عطش او را در نابودی من

يَشْفِ عَلَيْهِ وَلَمْ تَبْرُدْ حَرَازَاتُ عَيْطِهِ وَقَدْ عَصَّ عَلَى أَنَامِلُهُ وَآدَبَر

فرو نشاندی و دلش را در این باره خنك نكردی و در حالی كه از سوز خشمش بر من انگشت به دندان می گزید پشت کرده و

مَوْلِيَا قَدْ أَحَقَقْتُ سَرَايَاهُ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

فرار کرد و تجهیزات جنگی ونفراات او درهم شكست پس ستایش برای تو سزاست پروردگارا كه نیرومندی هستی شكست ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ

و بردباری هستی كه شتاب نخواهی كرد درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ يَغَانِي

و از یادكنندگان بخششهای خویش قرار ده معبودا و چه بسیار ستم پیشه ای كه با نقشه شومش به من ستم كرد و

بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ بِي تَعَقُّدَ رَعَايَتِهِ

برای شكار كردنم دامها نهاد و مرا دقیقاً زیر نظر گرفت

وَأَضْبَاءَ إِلَىٰ إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِيَطْرِدَتْهُ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ وَهُوَ

و مانند درنده ای كه برای شكار گریخته خود كمين می كند به كمين من نشست تا فرصتی بدست آرد با اینکه

يُظْهِرُ بَشَاشَةَ الْمَلَقِ وَيَسْطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ فَلَمَّا رَأَيْتَ دَعَلَ

درصورت ظاهر خودرا از روی تملق بشاش نشان می داد و روی گشاده بی حقیقتی به من می نمود، و هنگامی كه توای خدا نادرستی

سَرِيرَتِهِ وَفُتِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مَلَّتِهِ وَأَصْبَحَ مُجْلِباً لِي

باطن او را دیدی و زشتی نیتش را برای هم کیشش مشاهده فرمودی و دیدی كه چگونه مرا بسوی ستم خود می كشد او را

فِي بَغْيِهِ أَرْكَسْتَهُ لِأَمْرِ رَأْسِهِ وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ قَصَرَ عَتَهُ فِي

به مغز به زمین زدی و ریشه اش را از بیخ و بن برکندی و او را در همان چاهی كه برای من كنده بود درافكندی و در

زُبَيْتِهِ وَرَدَّيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرَابِ رَحْلِهِ

گودالی كه به دست خود حفر کرده بود سرنگونش كردی و گونه اش را مطابق خاك پایش كردی و او را سرگرم تن و

وَسَعَلْتَهُ فِي بَدْيِهِ وَرَزَقَهُ وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَخَفَعْتَهُ يَوْتَرَهُ وَدَكَّيْتَهُ

روزی خودش كردی و به سنگ خودش او را زدی و بازه كمان خودش جانش بگرفتی و بوسیله سرنیزه های خودش او راهلاك

بِمَشَاقِصِهِ وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَرَبَّقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ

ساختی و برو درافکندی و مکر وحيله اش را به خودش برگرداندی و در بند پشیمانی گرفتارش کردی و پشتش را در زیر بار

وَقَسَاتِهِ يَحْسَرْتِهِ فَاَسْتَحْذَاءُ وَتَضَائِلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ وَانْعَمَ بَعْدَ

حسرت خم کردی تا آنکه پس از همه نخوت و تکبر خوار گشته به زانو درآمد و پس از

اَسْطِطَاتِهِ دَلِيلًا مَّأْسُورًا فِي رُبْقٍ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي

گردنکشی با خواری مخصوصی ریشه کن شد و در بند دام خود که در روز تسلطش آرزو داشت مرا در آن بیند

فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبُّ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا

گرفتار شد و ای پروردگار من اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود که به همان بلایی که او دچار شده

حَلَّ يَسَاحِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ

من دچار گردم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی که

لَا يَعْجَلُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

شتاب نمی کنی درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از

الشَّاكِرِينَ وَاللَّائِنِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرَقَ

سپاسگزاران نعمتهایت قرار ده و از یادکنندگان عطاهايت بدار خدایا چه بسیار حسودی که

يَحْسَرْتِهِ وَعَدُوٌّ شَحِيحٌ يَغِيْظُهُ وَسَلَفَتْنِي يَحَدُّ لِسَانِهِ وَوَحَرَنِي يُمُوقُ

حسرت در گلویش گیر کرده و دشمنی که خشم او در گلویش شکسته و با زبان تیزش مرا آزرده و

عَيْنُهُ وَجَعَلَنِي عَرَضًا لِمِرَامِيهِ وَقَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ نَادِيْتُكَ يَا

نگاه خشمگین خود را از گوشه چشم همچون تیری بر بدنم فرو کرده و مرا هدف تیرهای خود قرار داده و کارهایی را به گردنم

رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَائِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَرْزُ

انداخت که من ای پروردگارم پیوسته در این باره از روی پناه خواهی تو را خواندم به خاطر اطمینانی که سرعت اجابت توداشتم

أَتَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ

و بر سابقه خوبی که همیشه در دفاع کردنت داشتم توکل نمودم و می دانستم که هرکس در سایه

كَتِفِكَ وَلَنْ تَفَرَّعَ الْحَوَادِثُ مِنْ لَجَأٍ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ

حمایت تو مآوای گیرد مورد ستم و ظلم کسی واقع نگردد و آنکس که به قلعه کمک خواهی تو پناه برد حوادث کوبنده روزگار

فَحَصَنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ يَقْدَرْتُكَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

برای کارگر نشود و تو ای خدا بوسیله نیرویت مرا از آزار او در پناه گرفتی پس از آن تو است ستایش ای پروردگار من که نیرومندی

يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی بدون شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ

نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهايت قرار ده خدایا و چه بسا ابرهائی از گرفتاری) که بسویم در حرکت بود)

سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّتْهَا وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرُهَا وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ

و تو پراکنده شان کردی و چه بسا آسمان نعمتی که بر من فرو باریدی و نهرهای بزرگواری که

أَجْرَيْتَهَا وَأَعْيُنَ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا وَنَاشِيَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا وَحَنَّةٍ

روان کردی و چشمه های جوشان حوادثی که رویش را پوشاندی و لکه های کوچکی از ابر رحمت که آن را پهن کردی و زره های

عَافِيَةٍ أَلْبَسْتَهَا وَعَوَامِرِ كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ

تندرستی که بر بدنم پوشاندی و گردابهائی از اندوه که برطرف کردی و امور جاریه دیگری که مقدر کردی و تو هرگاه

تُعْجِزَكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ

خواستیشان از طلب آنها درنماندی و هرگاه آنها را اراده فرمودی قدرت برامتناع نداشتند پس تورا است ستایش ای پروردگار من

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي

و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهايت خدایا

وَكَمَّ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَمِنْ كَسَرٍ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ

و چه بسا خوش گمانی مرا که صورت عمل دادی و چه بسیار شکستهای بی چیزی مرا که جبران کردی و ندارهای

فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ وَمِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتِ وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ

سخت و کمرشکن را که از من گرداندی و سقوطهای نابودکننده ای که بلندم کردی و چه سختیها که مبدل به راحتی کردی

لَأَسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْعَمْتَ وَلَقَدْ سَأَلْتُ

بازخواست نشوی از آنچه می کنی ولی دیگران بازخواست شوند و هرچه خرج کنی چیزی از تو کاسته نگردد و چون از تو بخواهند

فَاعْطَيْتَ وَلَمْ تُسْئَلْ فَأَبْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيعَ بَابُ فَضْلِكَ قَمَا أَكْدَيْتَ

می دهی و اگر هم نخواهند تو بی سابقه خواستن عطا می کنی و از درگاه فضل تو احسان خواستند و تو دریغ نداشتی

أَبَيْتَ إِلَّا إِنْْعَاماً وَأَمْتِنَاناً وَإِلَّا تَطَوُّلاً يَا رَبُّ وَإِحْسَاناً وَأَبَيْتَ

ندادی جز ازراه نعمت بخشی وامتنانت وجز ازراه عطابخشی بی پایان خود ای پروردگارمن و احسانت ولی من هم درمقابل نکردم

إِلَّا أَنْتِهَاكَ لِحُرْمَانِكَ وَأَجْتَرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ وَتَعَدَّيَا لِحُدُودِكَ

جز پرده دری محرمانت و دلیری بر ارتکاب معاصی و نافرمانیهایت و تجاوز از حدود تو

وَعَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوُّكَ لَمْ يَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي

و بی خبری از تهدید تو و پیروی از دشمن خود و دشمن تو، ای معبود و ای یاور

وَنَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَلَا حَاجَتَنِي ذَلِكَ

بزرگوار من کوتاهی من در سپاسگزاری تو را از اتمام احسان و نیکی به من بازداشت و اتمام احسان و نیکی

عَنْ إِرْتِكَابِ مَسَاحِطِكَ اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ

تو نیز مانع من از ارتکاب اعمالی که موجب خشم تو است نشد خدایا اکنون به حال بنده خواری درآمده ام

بِالتَّوْحِيدِ وَأَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ وَشَهِدَ لَكَ

که معترف بیگانگی تو است و به زیان خود اعتراف می کند که در ادای حق تو کوتاهی کرده و گواهی دهد که تو

يَسْتَوْغِي نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ وَحَمِيلَ عَادَتِكَ عِنْدَهُ وَإِحْسَانِكَ إِلَيْهِ فَهَبْ لِي

نعمت خود را بر او فروگذار نکردی و از شیوه نیک و احسان خود نسبت به او کوتاهی نکردی پس

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَتَّخِذُهُ سُلْماً

ای معبود و آقای من از فضل خویش بدان اندازه به من ببخش که بتوانم خود را به رحمتت برسانم و آن را نردبانی قرارداده

أَعْرُجْ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَآمَنْ يَه مِنْ سَخَطِكَ بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ

و به وسیله آن بسوی خوشنودی تو بالا روم و بدان سبب از خشم تو ایمن گردم به حق عزت و کرم

وَيَحَقِّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

و به حق پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

نیرومندی هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَأَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي

و قرارم ده از شکرگزاران نعمتهايت و از يادکنندگان عطايا و مراحت ، خدايا

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَةِ الصَّدْرِ

چه بسا بنده ای که شب و روزش در سختی مرگ بگذرد و جان به سینه اش رسیده

وَالنَّظَرِ إِلَى مَا تَفْشَعُ مِنْهُ الْجُلُودُ وَتَفْرَعُ لَهُ الْقُلُوبُ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ

و بنگرد بدانچه بدنها از هولش بلرزد و دلها بطبد و من در تمام آن مناظر واحوال آسوده و در سلامتی
بسر برم

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ وَذِي أُنَاقٍ

پس ستايش خاص تو است ای پروردگار من که نيرومندی هستی شکست ناپذير و بردباری هستی

لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهايت و از

الشَّاكِرِينَ وَلَا لَأَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

يادکنندگان عطاهايت خدايا و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و

وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مَوْجِعًا فِي آتَةٍ وَعَوِيلٍ يَتَغَلَّبُ فِي عَمِّهِ لَا يَجِدُ

روز خود را در بیماری دردناك و در ناله و فریاد و از اندوه به خود می پیچد نه راه چاره ای دارد

مَحِيصًا وَلَا يُسَبِّغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ

و نه غذا و نوشابه ای براحتی از گلویش پایین رود و من تندرست و از

وَسَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

سلامتی کامل برخوردار هستم و همه این نعمتها از تو است پس ستايش خاص تو است ای پروردگار
من که نيرومندی

لَا يُغْلِبُ وَذِي أُنَاقٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

هستی شکست ناپذير و بردباری هستی بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از
سپاسگزاران

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَأَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

نعمتهايت و از يادکنندگان عطايا و مراحت قرارم ده خدايا و چه بسا بنده ای که بسر برد

أَمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرْعُوبًا مُشْفِقًا وَجَلًا هَارِبًا طَرِيدًا مُنْجَرًا

شب و روز خود را در ترس و خوف و هراس و اضطراب از خانه خود گريخته و آواره گشته و از ترس

فِي مَضِيقٍ وَمَخْبَآءٍ مِنَ الْمَخَابِي قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْيِهَا

در بیغوله ای رفته و در خفا گاهی خود را پنهان کرده و زمین بدین پهناوری از هر سو بر او تنگ شده

لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنَجَى وَلَا مَأْوَى وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطُمَأْنِينَةٍ وَعَافِيَةٍ

نه راه چاره ای دارد و نه جا و ماء‌وایی و من در کمال امنیت و آسایش و سلامتی

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أُنَاقٍ

از این ناراحتیها بسر برم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی

لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنِّ

بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْكَرِيمِ وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ

یادکنندگان عطایا و مرحمت ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده ای که

أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَعْلُولًا مُكْبَلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ

شب و روزش در غل و زنجیر آهنین بگذرد در حالی که بدست دشمنانی

لَا يَرْحَمُونَهُ فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ يَتَوَقَّعُ

بی رحم گرفتار و دور از زن و فرزند و جدای از برادران و شهر و دیار

كُلَّ سَاعَةٍ يَا قَتْلَةَ قَتْلٍ وَيَا قَتْلَةَ قَتْلٍ يُمَثِّلُ بِهِ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ

هر ساعت انتظار می کشد که آیا به چه نحوی او را می کشند و یا به چه طور اعضای او را می بُرند و من در عافیت کامل

ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أُنَاقٍ لَا يَعْجَلُ

و دور از تمام اینها بسر برم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان

وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْكَرِيمِ إِلَهِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي

عطایا و مرحمت خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روزش را در حال جنگ بسر می برد و خود را آماده

الْحَرْبِ وَمُبَاشَرَةِ الْقِتَالِ يَنْفُسِهِ قَدْ عَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

پیکار کرده دشمنان با شمشیر و نیزه و سایر وسایل جنگی از هر سو احاطه اش کرده اند

بِالسُّيُوفِ وَالرَّمَاكِ وَالْآلَةِ الْحَرْبِ يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ

و او در زیر آن همه اسلحه های آهنین گم شده و حد اعلاای کوشش خود را برای نجات می کند

مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا قَدْ أُذِيفَ بِالْجِرَاحَاتِ أَوْ

ولی راه چاره و گریزی ندارد و زخمهای گران برداشته یا

مُتَشَحَّطًا يَدِمُهُ تَحْتَ السَّيَّابِكِ وَالْأَرْجُلِ يَتَمَنَّى شَرَبَهُ مِنْ مَاءٍ أَوْ

زیر سم اسبها و پاها در خون خویش غلطیده آرزوی يك شربت آب یا

نَظَرَهُ إِلَى أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

يك نظر به زن و فرزند خود را دارد ولی هیچ يك برايش میسر نیست و من از اتمام آنها در عافیت و سلامت بسر برم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَآئِكَ

بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاها

مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتٍ

و بخششهای خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روز کند در تاریکیهای

الْبَحَارِ وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ

دریاها و یا تندبادها و هراسها و امواج خروشان دریا که انتظار غرق

وَالْهَلَاكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ أَوْ مُبْتَلًى يَصَاقِقَهُ أَوْ هَدْمٌ أَوْ حَرْقٌ أَوْ

و هلاکت را می کشد و راه چاره ندارد یا آن کس که گرفتار شده به صاعقه یا زیر آوار رفتن یا آتش سوزی یا

شَرْقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ

استخوان به گلو گیر کردن یا به زمین فرو رفتن یا مسخ یا در پرتگاهی گیر کرده و من از اینها همه آسوده و راحت هستم پس

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى

خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَآئِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاها و

الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ

مرحمتهای خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روزش در مسافرت می گذرد دور از

أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا فِي الْمَغَاوِرِ تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ

زن و فرزند حیران در بیابانها در حال سرگردانی با حیوانات وحشی و چهارپا

وَالْهُوَامَ وَحِيداً قَرِيداً لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا أَوْ مُتَادِيًا

و گزنده تكَ و تنها زندگی می کند نه چاره ای به نظرش می رسد و نه راه به جایی برد یا دچار آزار

يَبْرُدُ أَوْ حَرٌّ أَوْ جُوعٌ أَوْ عُرْيٌ أَوْ غَيْرُهُ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوءٌ

سرما یا گرما یا گرسنگی یا برهنگی یا سایر سختیها شده که من از آنها همه آسوده ام

فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي

و در تندرستی و آسایش از آنها هستم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و

أَنَانٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ وَالْإِيَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمُ مِنْ عَبْدٍ

یاد کنندگان عطایا و مراحمتت ای خدا و ای آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد

أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيراً عَائِلاً عَارِياً مُمْلِئاً مُخْفِقاً مَهْجُوراً جَانِعاً

شب و روز خود را در حال فقر و تنگدستی و برهنگی و یأس و هجران دوستان و گرسنگی و

ظَمْئَانٍ يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ يَفْضُلُ أَوْ عَبْدٌ وَحِيَهُ عِنْدَكَ هُوَ أَوْجَهُ

تشنگی و چشم براه است تا آیا کسی بر او احسانی کند یا (چه بسا) برده و غلام آبرومندی در پیش تو که از من

مِنِّي عِنْدَكَ وَ أَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ مَعْلُولاً مَقْهُوراً قَدْ حُمِلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبٍ

که آزادم آبرومندتر و عبادت و طاعتش به درگاه تو بیشتر است و زیر زنجیر و قدرت ارباب است و بار سنگین بردگی بر دوش

الْعَنَاءِ وَ شِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقُلِ الصَّرِيَّةِ أَوْ مُبْتَلَاً بِبَلَاءٍ

دارد چه از رنج و تعب و چه سختی کارهای بردگی و چه مشقت غلام بودن و چه پرداخت وجه سنگین به ارباب خود یا آن شخصی

شَدِيدٍ لَا قِبَلَ لَهُ [بِهِ] إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَاقِي

که به بلاء و سختی دچارگشته و تاب تحمل آن را ندارد جز اینکه تو در رفع آن بر او کمک کنی ولی مرا هم دیگراخدمت کنند

الْمَكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ مِنْ مُقْتَدِرٍ

وهم نعمت بخشند وهم تندرست وگرامی وازآنچه اوبدان گرفتاراست آسوده ام پس ستایش دربرابر این همه نعمت خاص توانست که نیرومندی

لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَانَةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نکند درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَسَيِّدِي

از شکرگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت ای معبود و آقای من

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ شَرِيداً طَرِيداً حَيْرَانٍ مُتَحِيرّاً جَائِعاً

چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حال آوارگی و حیرانی و سرگردانی و گرسنگی

خَائِفاً خَاسِراً فِي الصَّحَارَى وَالْبَرَارَى قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ وَهُوَ

ترسان و زیان رسیده در میان صحراها و بیابانها سرما و گرما او را بی تاب کرده و

فِي صَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَصَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ وَذُلٌّ مِنَ الْمَقَامِ يَنْظُرُ إِلَى

در وضع فلاکت بار و زندگی سخت و جای خوار و پستی بسر می برد و از روی حسرت به

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَغْدِرُ لَهَا عَلَى صَرٍّ وَلَا تَفْعُ وَآثَا خَلُوٍّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

خود می نگرد و قدرت بر سود و زیان خود ندارد و من

يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ وَذِي

به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست ناپذیر و

أَنَاءٍ لَا تَعْجَلُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لَأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتها

وَلَا لِأَيْكُمِنَا لَذِ اكْرِيتُوا رَحْمَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (نسخه المجلسي)

و یادکنندگان عطاهايت و به رحمت خویش بر من رحم کن ای ارحم الراحمين

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيلاً مَرِيضاً سَقِيماً مُذْنِئاً

ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حال دردمندی و بیماری و ناخوشی که در بستر

عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِيناً وَشِمَالاً لَا يَعْرِفُ شَيْئاً

بیماری و جامه ناخوشی افتاده و از شدت ناراحتی به این پهلو و آن پهلو می چرخد و چیزی

مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ

از لذت نوشیدنی و خوراک نمی فهمد و از روی حسرت به خود می نگرد و قدرتی

لَهَا صَرّاً وَلَا نَفْعاً وَآثَا خَلُوٍّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا

بر سود و زیان خود ندارد ولی من به واسطه جود و کرم تو از تمام اینها آسوده ام پس معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى

منزهی تو ای خدای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَائِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از زمره پرستش کنندگان خود و از جمله سپاسگزاران نعمتهایت و

الشَّاكِرِينَ وَاللَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطاھایت و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمٍّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ وَقَدْ دَنَا

مهربانان ای سرور من و ای آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حالی که

يَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ وَأَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ يُعَالِجُ سَكَرَاتِ

عمرش بسرآمده و فرشته مرگ با اعوان و یارانش دور بستر او را گرفته و او در سختیهای جان کندن و گردابه‌های

الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا يَنْظُرُ إِلَى أَحْيَائِهِ

مرگ غوطه می خورد چشمانش به راست و چپ می گردد نگاه به دوستان و

وَأَوْدَائِهِ وَأَحْلَائِهِ قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ يَنْظُرُ

رفقا و یاران صمیمی خود می کند و یارای سخن گفتن ندارد و از گفتار بازمانده از روی حسرت به خود می نگرد

إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا صَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

که هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست و من ای خدا به واسطه

يَجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي

جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی نیست جز تو منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و

آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ وَاللَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطاها و بخششیهایت و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمٍّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ

مهربانان ای سرور و آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در تنگناهای

الْجُبُوسِ وَالسُّجُونِ وَكُرْبَاهَا وَذُلَّهَا وَحَدِيدِهَا بَتْدَاوُلُهُ أَعْوَانُهَا

زندانبانها و محبسها و در ناراحتیها و خواری و زنجیر آهنین زندان گرفتار است و زندانبانها

و زَبَانِيَّتُهَا فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ وَآيُ مَثَلَةٍ يُمَثِّلُ بِهِ فَهُوَ فِي

دژخیمان دست بدست او را بگردانند و او نمی داند به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و چه عضوی از او را قطع خواهند کرد پس آن

صُرٌّ مِنَ الْعَيْشِ وَصَنَكٌ مِنَ الْحَيَاةِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً

بیچاره در وضع فلاکت بار و زندگی سختی بسر می برد از روی حسرت به خود می نگرد که

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا صُرّاً وَلَا نَفْعاً وَأَنَا خَلَوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ

قادر بر سود و زیان خود نیست و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنْاقٍ لَا يَعْجَلُ

پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَائِدِينَ وَلِنَعْمَائِكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در زمره پرستش کنندگان خود و شکرگزاران نعمتهایت

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْكَرِيمُ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و از یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خویش بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ

مهربانان ای آقای من و سرور من و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روزش را در حالی که

عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَاحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَفَارَقَ أَوْدَانَهُ وَاجْبَانَهُ وَاجِلَانَهُ

به سرنوشت بدی دچار گشته و گرفتاری از چهار طرف او را احاطه کرده و از دوستان و یاران و رفقای صمیمی دور گشته

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ يَتَدَاوُلُونَهُ

و شبش در حال اسارت و کوچکی و ذلت در دست کفار و دشمنان بسر آید که او را دست بدست

يَمِينًا وَشِمَالًا قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ وَثُقُلَ بِالْحَدِيدِ لَا يَرَى شَيْئًا

به راست و چپ بگردانند و در سیاه چالها زندانی شده و به زنجیر و آهن بسته نه از روشنی دنیا ببیند

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ

و نه از نسیم جان بخشش بر او بوزد از روی حسرت به خویشتن بنگرد و قادر بر

لَهَا صُرّاً وَلَا نَفْعاً وَأَنَا خَلَوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا

سود و زیان خویش نباشد و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى

منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از پرستش کنندگان و از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خود به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اشْتَاقَ

ای خدای من و آقایم و چه بسا بنده ای که شام و یا صبح کرده و روی میلی که

إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ يَنْفُسِهِ وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا

بدنیا دارد مشتاقانه خود و مالش را به خطر انداخته از روی حرصی که بر آن دارد

قَدْ رَكِبَ الْعُلُكَ وَكُسِرَتْ بِهِ وَهُوَ فِي آفَاقِ الْبَحَارِ وَظَلَمِهَا يَنْظُرُ إِلَى

سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانه ها و تاریکیهای دریا از روی

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا عَلَى صَرٍّ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خِلْوٌ ذَلِكَ كُلَّهُ

حسرت به خود می نگرد قدرتی بر سود و زیان خود ندارد و من

يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي

به جود و کرم تو از همه اینها آسوده ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و

آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ

بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از

الْعَابِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

پرستش کنندگان و از سپاسگزاران نعمتهایت و از یاد کنندگان عطاهایت و به

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ

رحمتت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان ای معبود من و آقایم و چه بسا

عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَالْكَفَارُ

بنده ای که شب و یا صبح کرده و قضا بر او ادامه یافته و بلا و کفار

وَالْأَعْدَاءُ وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَالسُّيُوفُ وَالسَّهَامُ وَجُدَلَ صَرِيحًا وَقَدْ

و دشمنان او را احاطه کرده و نیزه ها و شمشیرها و تیرها دورش را گرفته و برو در

شَرَبَتِ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَأَكَلَتِ السَّبَّاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا خَلَوُ

افتاده زمین از خورش رنگین و درندگان و پرندگان گوشتش می خورند و من

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يَجُودُكَ وَكَرَمِكَ لَا يَسْتَحِقُّ مِنِّي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

به جود و کرم تو از آن آسوده ام نه اینکه مستحق آن باشم ای که معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا تَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

منزهی ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد

وآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنْ

و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و یادکنندگان

الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

عطاهایت و به رحمتت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان

وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمُ لَا طُلُبَنَّ مِنَّا لَدَيْكَ وَلَا يَحِنَّ عَلَيْكَ وَلَا مَدَنٌ بِيَدِي

سوگند به عزت تو ای بزرگوار که من از آنچه پیش تو است می خواهم و در این باره پافشاری دارم و دستم را

نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ يَا رَبِّ قِيمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ

با اینکه گناهکار است به سویت دراز کنم پروردگارا (اگر به درگاه تو نیایم) به که پناه ببرم و به که روآورم کسی را جز تو ندارم

أَقْتَرِدْنِي وَأَنْتَ مَعُولِي وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي أَسْئَلُكَ يَا سَمِيكَ الَّذِي

آیا تو هم مرا برانی در صورتی که تو تکیه گاه منی و توکلم بر تو است از تو خواهم به حق آن نامت که

وَصَعْتُهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَعَلَّتْ وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى

بر آسمان نهادی و پابرجا شد و بر زمین نهادی و مستقر شد و بر

الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَعَلَى اللَّيْلِ فَاطْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ أَنْ تُصَلِّيَ

کوهها نهادی استوار شد و بر شب نهادی تاریک شد و بر روز نهادی روشن گردید که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا وَتَغْفِرَ لِي

بر محمد و آل محمد و همه حاجتهای مرا برآوری و همه گناهانم بیامیزی

دُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَتَوْسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ

چه کوچک باشد و چه بزرگ و روزیم را به اندازه ای فراخ گردانی که به وسیله آن به

شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعَنْتُ فَصَلِّ

شرافت دنیا و آخرت برسم ای مهربانترین مهربانان ای سرور من به تو یاری جویم پس درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي وَأَعِزَّنِي

بر محمد و آل محمد و یاریم ده و به تو پناه آورده ام پس پناهم ده و مرا

بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَبِمَسْنَلَتِكَ عَنْ مَسْنَلَةِ خَلْقِكَ وَأَنْقُلْنِي

به وسیله اطاعت خویش از اطاعت بندگان بی نیاز کن و به وسیله درخواست از خود

مِنْ ذُلِّ الْقَعْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ

از درخواست مخلوق مستغنی ساز و مرا از ذلت نداری و فقر بسوی عزت دارایی منتقل کن و از خواری گناهان به شوکت اطاعت ببر

فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا لَا يَسْتَحِقُّاقِي مَنِّي

زیرا که تو از روی جود و کرم خویش مرا بر بسیاری از خلق خویش برتری دادی و این نه به خاطر استحقاق من بود

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا پس ستایش خاص تو است در همه اینها درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و یادکنندگان عطاهایت

پس به سجده برو و بگو:

سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوْحْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ سَجَدَ وَجْهِي

به خاک افتاد روی خوارم برای روی عزیز و بزرگوار تو به خاک افتاد روی

الْبَالِي الْغَانِي لَوْحْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوْحْهِكَ

کهنه و فانی من در برابر روی جاویدان و همیشگی تو به خاک افتاد روی فقیر من برای روی

الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ سَجَدَ وَجْهِي وَسَمَعِي وَبَصَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي

بی نیاز بزرگ تو به خاک افتاد رو و گوش و چشم و گوشت و خون

وَجِلْدِي وَعَظْمِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي إِلَهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ

و پوست و استخوان و هرچه از من که روی زمین است برای خدا پروردگار جهانیان خدایا

عُدْ عَلَى جَهْلِي بِحِلْمِكَ وَعَلَى فَقْرِي بِغِنَاكَ وَعَلَى ذُلِّي بِعِزِّكَ

بر نادانی من به بردباری خویش بازگرد و بر نیازمندیم به بی نیازیت و بر خواریم به عزت و

وَسُلْطَانِكَ وَعَلَى ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ وَعَلَى خَوْفِي بِأَمْنِكَ وَعَلَى ذُنُوبِي

سلطنت و بر ناتوانیم به توانائیت و بر ترسم به امان بخشیت و بر گناهان

وَخَطَايَايَ يَعْفُوكَ وَرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرُءُ بِكَ

و خطاهایم به عفو و رحمتت ای بخشاینده ای مهربان خدایا من

فِي نَحْرِ فُلَانٍ بَنٍ فُلَانٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَكَفِّنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ

دفع فلان پسر فلان دشمنم را از تو خواهم و از شر او به تو پناه برم پس شرش را از من دور کن هرطور که از پیمبران

وَأَوْلِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ قَرَاعِنَةِ خَلْقِكَ وَطُغَاةِ

و اولیاء خود از خلقت و بندگان شایسته ات شر یاغیان و سرکشان را دور کردی و

عُدَانِكَ وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَرْحَمُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى

پناه برم به تو از شر همه خلقت به رحمتت ای مهربانترین مهربانان که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

هر چیز توانایی و بس است ما را خدا و نیکو وکیلی خواهد بود.